

این معجزه و شگفتی، نه از منظر زیبایی گل ها، شکوه تکنیک‌ها، پیچیدگی تاکتیک‌ها یا اتفاقات غیرقابل‌پیش‌بینی که از نفس تداوم و استمرار موقعیت و اعتبار فوتبال در سطح اول پدیده‌های جهان در گذر از دهه‌ها و دوران‌ها قابل مشاهده است. موقعیتی که در میان پدیده‌های جهان مدرن، شاید تنها سینما و در برخی موارد موسیقی را بتوان تاحدی با آن قیاس کرد؛ با این تفاوت که سینما و موسیقی نیز با وجود آنکه پدیده‌ای جهانشمول هستند، اما برخلاف فوتبال فاقد زبان مشترک و همه‌فهم هستند و نیز، فاقد این ویژگی هستند که در یک زمان مشترک صدها میلیون و گاه میلیاردها نفر را درگیر یک مسابقه کنند. این، اشتراک زبانی و زمانی است که هرچه سطح تکنولوژی بالاتر رفته و امکانات پخش (چه از منظر گستره و چه از زاویه کیفیت) بیشتر شده است، بر دامنه دربرگیری و درگیری مخاطبان افزوده است.

چنین بود که فوتبال از روزگار آماتوریسزم بریتانیایی خود تا دوران اولیه لیگ‌های حرفه‌ای اروپایی و جام‌های جهانی نخستین، با تصاویر سیاه‌وسفید و بی‌کیفیت و غیرقابل‌تشخیص، هنوز به پدیده‌ای جهانی تبدیل نشده بود و برای بسیاری کشورها پدیده‌ای جدی‌تر از سایر ورزش‌ها نبود. اما با ارتقای تکنولوژی و فراهم شدن امکان پخش مستقیم تلویزیونی، رنگی شدن تصاویر و جذب هرچه بیشتر مخاطبان جهانی، فوتبال از سطح ورزشی معمولی فراتر رفت و به یک صنعت پول‌ساز و یکی از پر مخاطب‌ترین ابزارها برای ارائه تبلیغات تجاری تبدیل شد. البته، برخی رژیم‌های اقتدارگرا در ادواری تلاش کردند از فوتبال به‌عنوان ابزار تبلیغات سیاسی یا وسیله‌ای برای جبران بحران مشروعیت خود سود جویند، اما این تلاش‌ها هیچ‌گاه به یک امر مستمر تبدیل نشد. گویی فوتبال با پشتوانه گسترده و اعتبار فرامرزی خود، خیلی‌زود نتوانست فراتر از دولت‌ها و حکومت‌ها قرار گیرد و ساختاری را شکل دهد که در آن، حتی حکومت‌هایی که درون کشور خود به ارزش‌های جهانشمول همچون حقوق بشر، آزادی و دموکراسی پایبندی چندانی ندارند؛ ناچار باشند به ارزش‌ها و قوانین جهانی فوتبال وفادار باشند. این مسئله را با مقایسه میزان نفوذ احکام فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) با سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن، به‌خوبی می‌توان یافت. فیفا به‌مثابه نهاد حاکمیتی فوتبال جهان از چنان قدرتی برخوردار است که شاید نظریه‌پردازان آن‌مانگرای روابط بین‌الملل آرزو دارند نهادی با آن قدرت و توان حاکمیت در عرصه مناسبات بین‌الملل وجود می‌داشت و نمی‌گذاشت دولت‌ها درون واحدهای ملی خود، هرطور که بخواهند عمل کنند و رفتار خود را تحت عنوانیی چون فرهنگ ملی، منافع ملی و امنیت ملی توجیه کنند. از این منظر، مجموعه مناسبات جهانی فوتبال توانسته است نهادسازی مؤثرتر و بانفوذتری را صورت دهد و از طریق آن، موقعیتی نسبتاً مستقل از مناسبات جاری سیاست و قدرت پیدا کند.

بااین حال، استقلال فوتبال نیز امری کامل نیست. در واقع، فوتبال گرچه از سطح دولت‌ها و قدرت‌های ملی و بین‌المللی استقلالی قابل قبول دارد؛ اما خود در ذیل مجموعه مناسبات کلان اقتصادی و تکنولوژیک جهانی زیست می‌کند و از آن، تاثیر می‌پذیرد. به بیان دقیق‌تر، فوتبال بیش از آنکه متأثر از قدرت سیاسی باشد؛ تحت تاثیر سرمایه و قدرت اقتصادی است که البته، برخی دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی نیز از این ظرفیت برای پولشویی و سفیدشویی مناسبات مالی خود سود می‌جویند. روندهایی که در دهه‌های اخیر از سوی برخی کشورهای ثروتمند و دارای منابع بالا برای سرمایه‌گذاری در حوزه فوتبال صورت گرفته است، نشانه‌هایی از این تغییر روندهای سرمایه را بروز می‌دهد. درحالی‌که طی دهه‌ها، این اروپا و به‌ویژه چهار لیگ معتبر آن (انگلیس، اسپانیا، ایتالیا و آلمان) بودند که مهمترین محل جذب و هزینه سرمایه بودند. این روند شاید تا حدود دو دهه پیش، سبزی نسبتاً طبیعی داشت و در آن، باشگاه‌های مختلف به نسبت جایگاه خود و میزان توانی که در جذب هواداران، تبلیغات، بهره‌مندی از حق پخش تلویزیونی، فروش البسه و محصولات و گردش مالی در خرید و فروش بازیکنان داشتند، از قدرت اقتصادی بیشتری هم برخوردار می‌شدند. بر مبنای چنین روندی بود که به‌تدریج، باشگاه‌هایی نظیر یوونتوس، اینتر و میلان در ایتالیا، رئال و بارسا در اسپانیا، بایرن مونیخ در آلمان، یوآینتد، آرسنال و لیورپول در انگلستان حساب خود را از دیگر باشگاه‌های کشور خود جدا کردند و با برخورداری از هواداران بیشتر در سطح جهانی، از منابع مالی و امکانات بیشتری برای جذب ستارگان و مربیان درجه اول جهان بهره‌مند شدند؛ اتفاقی که در چرخه‌ای دیالکتیکی، باز هم جذایبت این باشگاه‌ها و تعداد قهرمانی‌های آنان را می‌افزود و در نتیجه، هواداران و مخاطبان تلویزیونی آنها بیشتر می‌شد و منابع مالی بیشتری را هم به سوی آنها سرازیر می‌کرد. خروجی این چرخه، نوعی گسست در فوتبال اروپا بود؛ گسستی که در آن، چند باشگاه در سطحی فراتر از دیگران قرار می‌گرفتند و می‌توانستند با هواداران و منابع مالی گسترده، نوعی دایره رقابت محدود را شکل

دهند. بدین ترتیب بود که دستیابی به قهرمانی برای باشگاه‌های دیگر تبدیل به یک رویا و آرزوی محال می‌شد و یا بعضاً به شکلی مقطعی و کوتاه به دایره بزرگان راه می‌یافتند. مثلاً باشگاهی چون ناپولی تنها قهرمانی‌های تاریخ خود در اروپا و لیگ ایتالیا (قبل از قهرمانی پارسال) را فقط در مقطعی کسب کرد که ابرستاره‌هایی چون مارادونا و کاره‌کا را جذب کرد. یا باشگاهی چون المپیک مarseی فرانسه در مقطعی کوتاه با ورود سرمایه‌داری چون برنارد تابی توانست به پدیده‌ای در فوتبال اروپا تبدیل شود. یا تیمی مثل لستر سیتی که چند سال قبل توانست شگفتی‌آفرینی کند و در سال افت همه غول‌های فوتبال انگلستان به قهرمانی لیگ برتر برسد. اما این موارد، صرفاً استثناهایی بر قاعده‌ای کلی و کلان بودند. بازی اصلی، بازی بزرگان بود.

اما از حدود دو دهه قبل، به‌تدریج روند سرمایه در فوتبال دنیا تغییر کرد و منابعی جدید و خارج از دایره متعارف منابع باشگاه‌ها به فوتبال تزریق شد که به‌تدریج، مناسبات سابق را به هم ریخت. شاید، پلایه‌دار این منابع مالی جدید را بتوان رومن آبراموویچ دانست که دقیقاً ۲۰ سال قبل با خرید باشگاه چلسی در سال ۲۰۰۳ وارد عرصه فوتبال شد و خیلی‌زود با برزوپیش در خرید ستارگان فوتبال توانست چلسی را که سال‌ها بود به باشگاهی درجه دوم در فوتبال انگلستان تبدیل شده بود، به قهرمانی‌های متعدد برساند (۲۱ عنوان قهرمانی در عصر آبراموویچ). مسیری که آبراموویچ برای ورود سرمایه‌های جدید و نامتعارف به فوتبال گشود و اغلب هم در باشگاه‌های درجه دوم اما دارای پتانسیل رشد به اجرا در می‌آمد، در دو دهه گذشته عملاً سیطره بزرگان پیشین را بر فوتبال اروپا از میان برده است. باشگاه‌هایی چون منچستر سیتی، بای‌سن‌ن‌زرن، نیوکاسل و استون‌ویلا به‌تدریج خود را به سطح غول‌ها رسانده‌اند و برخی بزرگان پیشین را به حاشیه رانده‌اند. در این میان، لیگ برتر انگلستان به دلیل ریشه‌دارتر بودن باشگاه‌های آن و ظرفیت بیشتر تیم‌های درجه دوم برای رشد و ارتقا، پتانسیل و جذابیت بیشتری برای جذب سرمایه‌گذاران داشته است. درحالی‌که لیگ‌های اسپانیا، آلمان و حتی ایتالیا کمتر توانسته‌اند این سرمایه‌های جدید را جذب کنند و همچنان در همان الگوی پیشین بازی بزرگان باقی مانده‌اند.

از سوی دیگر، برخی کشورهای صاحب سرمایه در قاره‌های آسیا و آمریکای شمالی تلاش کرده‌اند با جذب ستارگان بزرگ فوتبال دنیا، به‌تدریج مرکز ثقل فوتبال دنیا را از اروپا تغییر دهند و به عبارت دیگر، به جای آنکه سرمایه‌های خود را در باشگاه‌های اروپایی هزینه کنند و ستارگان را میان غول‌های جدید و قدیم اروپا ردوبدل کنند؛ این سرمایه‌ها را در لیگ‌های داخلی خود هزینه کنند و ستارگان فوتبال را از اروپا به کشورهای خود بیاورند. ژاپن، چین، آمریکا، قطر و در چند سال اخیر عربستان (با ابعاد بزرگ‌تر) در این مسیر حرکت کرده‌اند. گویی، آن مسیر انتقال قدرت و سرمایه‌ای که در سطح کلان از اروپا به آمریکای شمالی و آسیا طی دو سده گذشته طی شد و آن را از محدود و انحصار قاره‌ای خارج کرد؛ قرار است در عرصه فوتبال نیز تکرار شود. تلاشی که البته تاکنون چندان نتیجه‌بخش نبوده است و لیگ‌های داخلی این کشورها با وجود سرمایه‌گذاری بالا، بیشتر نوعی خانه سالنمدان برای ستارگانی بوده‌که می‌خواهند سال‌های آخر فوتبال خود را با فشار کمتر و درآمد بیشتر بگذرانند. البته، برخی بازیکنانی که در سال‌های اخیر وارد لیگ عربستان شده‌اند، هنوز در دوران اوج خود هستند و تاحدی تجربه این کشور را از سایر لیگ‌های آسیایی و آمریکای شمالی متمایز کرده است.

از این نگاه کلی و کلان، آنچه از سال گذشته تحت‌عنوان طرح سوپرلیگ فوتبال با محوریت باشگاه‌های رئال مادرید و بارسالونا متبدیر خورده است و در روزهای اخیر با تأیید قضایی نیز همراه شده است، نوعی ایده مقاومت در برابر روند جدید انتقال سرمایه در فوتبال است. در این ایده مقاومت، تلاش می‌شود در برابر سرمایه‌های جدیدی که از منابع نامتعارف وارد باشگاه‌های درجه دوم می‌شود و بازی بزرگان را برهم می‌زند؛ یک «بازی بزرگان رسمی» تعریف شود که در آن، تداوم انحصار و موقعیت غول‌های موجود تضمین شود. شکلی مشابه حق وتو که کشورهای بیروز پس از جنگ جهانی دوم برای خود تعریف کردند و هدف آن، هم تضمین موقعیت خود و هم حفظ کلی چارچوب نظم جهانی بود. اما آیا سوپرلیگ می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؟ به نظر می‌رسد تعارض منافع میان لیگ‌ها و باشگاه‌های مختلف (حتی خود غول‌ها) بیش از آن باشد که نسخه پیشنهادی رئال مادرید و بارسا را به‌راحتی بپذیرند. باشگاه‌ها و لیگ‌هایی همچون انگلستان که چشم‌انداز جذب سرمایه‌های متعارف و نامتعارف بیشتری دارند، چندان با این ایده همراه نیستند و حتی آن را علیه خود می‌بینند. حق هم دارند. آنها با تداوم مسیر جدید سرمایه در فوتبال از آن بهره‌مند می‌شوند؛ درست برخلاف باشگاه‌هایی مثل رئال، بارسا (و شاید یوونتوس و غول‌های میلان) که به دنبال مقاومت در برابر این روند جدید و توقف و انحراف آن هستند. باید دید برنده این میدان، کدام سو خواهد بود؟

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک

واکنش‌ها به پیشنهاد مذاکره بر سر جزایر سه‌گانه یا راجع به دیوان بین‌المللی

نسخه روسی برای جزایر ایران



داود دشتبانی

گزارشگر هم‌میهن

جمع هم‌کاری عرب و روسیه در نشست مراکش خواستار حل مناقشه جزایر سه‌گانه از راه مذاکره یا اراجاع به دیوان بین‌المللی شد. وزارت خارجه ایران در واکنش به این بیانیه اعلام کرد، ایران موضوع جزایر سه‌انه را غیرقابل مذاکره می‌داند. این همراهی روسیه در انتشار بیانیه کشورهای عربی علیه تمامیت ارضی ایران برای دومین بار تکرار می‌شود و بیانگر عدم تمایل مسکو به نظر‌گرفتن منافع و روابط دوطرفه با جمهوری اسلامی ایران است. بار نخست روسیه در همراهی با شورای همکاری خلیج‌فارس چنین بیانیه مشترکی را صادر کرد. در واقع بی‌اعتنایی روسیه می‌تواند در درجه اول بیانگر عدم اهمیت روابط با ایران و از سوی دیگر اجبار و ناگزیری جمهوری اسلامی ایران به ادامه این روابط باشد. در واقع ایران در شرایطی که در تحریم‌های بین‌المللی ناشی از تحریم آمریکا قرار دارد انتخاب‌های زیادی در عرصه‌های بین‌المللی ندارد و روسیه نیز هرچند در موقعیت مشابهی قرار دارد اما برخلاف ایران حتی کشورهای عربی که از روابط نزدیکی با آمریکا و اروپا بر‌خوردارند، برای گسترش روابط با روسیه و عدم تبعیت از تحریم‌های بین‌المللی ابراز تمایل می‌کنند و این گزینه‌ای است که مسکو به هر قیمت مایل به کسب آن است. این ایران است که بایستی با اصلاح روابط خود با نظام بین‌الملل بتواند خود را از شرایط انزوا و اتکای صرف به شرق خارج کند و بتواند در ارتباط با همه قدرت‌های جهانی از منافع ملی و حاکمیت و تمامیت ارضی خود دفاع کند. آمریکا و متحدانش موفق شده‌اند با اعمال تحریم‌های اقتصادی سهم ایران از بازار فروش نفت را به میزان قابل‌توجهی کاهش و در واقع ایران را از بازارهای جهانی نفت حذف کنند و دسترسی ایران به منابع ارزی‌اش را نیز محدود کنند. گام دیگر این محاصره اقتصادی نیز با حذف ایران از کردورهای تجاری و انتقال انرژی صورت گرفته است. در گام بعدی به نظر می‌رسد کاهش مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران در دستور کار نظام جهانی قرار گرفته است و تلاش برای حذف مرز ایران با ارمنستان در قفقاز و تجدید و تشدید مناقشه بر سر جزایر سه‌گانه ایرانی گام‌های عملی این استراتژی است. در صورت تحقق این دو هدف در میان‌مدت دشمنان و رقبای ایران موفق خواهند شد انزوی شدیدتری را علیه ایران اعمال کرده و از میزان اثرگذاری بین‌المللی ایران بکاهند. تاکنون شورای همکاری خلیج‌فارس موفق شده در بیانیه‌های مشترک با هر پنج عضو دائم شورای امنیت، موضوع جزایر سه‌گانه را به‌عنوان یک مناقشه و اختلاف میان ایران و امارات مطرح کند که در این مرحله هرچند ابعاد حقوقی ندارد اما می‌تواند در مراحل بعدی وارد ابعاد حقوقی شود. هر چند هیچ‌یک از اقدامات امارات بدون پذیرش و مماشات ایران قابلیت حقوقی و اجرایی ندارند اما اعمال فشار سیاسی در عرصه بین‌المللی حداقل اثرات چنین اقداماتی است.

◀ **بیانیه اعراب و روسیه و واکنش‌ها**

خلیفه شاهین المرمر، وزیر مشاور امارات متحده عربی در ششمین نشست مجمع همکاری عرب و روسیه که روز چهارشنبه ۲۹ آذر در مراکش برگزار شد، با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد، در نتیجه هماهنگی و همکاری میان کشورهای عربی و روسیه در بخش‌های مختلف «دستاوردهای قابل‌توجهی» به دست آمده است. در بیانیه پایانی ششمین نشست مجمع همکاری عرب و روسیه در مراکش، با استناد به بیانیه مشترک کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه در ژوئیه ۲۰۲۳ از ارائه راه‌حل و ابتکارات صلح‌آمیز به منظور حل مناقشه از طریق مذاکرات دوجانبه حمایت شده است. این بیانیه علاوه بر پیشنهاد مذاکرات دوجانبه در این خصوص، خواستار اراجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری و براساس قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل متحد شده است. در

آشوراده احیا شد

روایت آیت‌الله‌نور مفیدی از بازگشت رونق به جزیره خزری در سفر استانی‌رئیس‌جمهور

گروه خبر: استان گلستان برای دومین بار در آخرین شب فصل پاییز میزبان رئیس‌جمهور و هیئت دولت سیزدهم بود. از پروژه بوم‌گردی جزیره آشوراده تا لایروبی خلیج گرگان، دیدار و حضور بین مردم استان، بهره‌برداری از مر حله نخست تصفیه‌خانه فاضلاب گنبد کاووس و فعال شدن تمامی خطوط ارتباطی فیبر نوری در استان گلستان از جمله برنامه‌های رئیس‌جمهور بود. نماینده ولی‌فقیه در گلستان گفت: «سفر نخست رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت سیزدهم به استان، دستاوردهای مهمی داشت و امیدواریم که در سفر دوم نیز برکات بیشتری نصیب گلستان شود». آیت‌الله سیدکاظم نورمفیدی در مراسم دیدار رئیس‌جمهور با مردم استان گلستان که در مصلى گرگان برگزار شد، اظهار کرد: «حضور رئیس‌جمهور و برخی وزيران، اتفاق بزرگی برای گلستان است که امیدواریم نتیجه آن، حل مشکلات مردم در بخش‌های گوناگون باشد». وی افزود: «از مردم گلستان برای استقبال باشکوه از رئیس‌جمهور تشکر می‌کنم». نماینده ولی‌فقیه در گلستان پیگیری رئیس‌جمهور برای احیای آشوراده را ارزشمند و اثرگذار توصیف کرد و گفت: «دعاگوی

نخستین واکنش به بیانیه ششمین نشست مجمع همکاری عرب و روسیه در مراکش در خصوص مسئله جزایر سه‌گانه، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با اشاره به اینکه ایران «موضوع تمامیت ارضی و حاکمیتی خود بر جزایر سه‌گانه را قابل مذاکره و گفت‌وگو نمی‌داند» مفاد این بیانیه درباره جزایر سه‌گانه را محکوم کرد و آن را «بی‌اساس و مردود» دانست. کنعانی با بیان اینکه جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، «تعلق ابدی به ایران» دارند این جزایر را «جزء جدایی‌ناپذیر سرزمینی جمهوری اسلامی» توصیف کرد.

◀ **واکنش ولایتی**

مهمترین واکنش متعلق به علی‌اکبر ولایتی، مشاور عالی رهبری در امور بین‌الملل بود که در بیانیه‌ای تأکید کرد: «روابط استراتژیک و دوستانه ایران و روسیه به آسانی به دست نیامده است و در این خصوص می‌بایست منافع دوجانبه‌ای و منطقه‌ای در نظر گرفته شود و در شرایطی که روسیه در شرایط پیچیده بین‌المللی قرار دارد، اتخاذ بعضی از موضع‌گیری‌های وزارت خار‌جه روسیه باعث تأسّف است، هرچند که بر خی فشارهای سیاسی بر روسیه در شرایط پیچیده فعلی موجب می‌شود که برای به دست آوردن امتیازی کم‌ارزش و دست‌نیافتنی نیز به اعتبار خود لطمه وارد کند». این نخستین باری نیست که در نشست بین‌المللی با محوریت روسیه، بحث ادعای مالکیت سرزمینی امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک مطرح می‌شود. پیش از این نیز بیانیه‌پایانی نشست مشترک وزرای امور خار‌جه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس و روسیه در تیرماه سال جاری، موضع مشابهی را اتخاذ کرده و بر حمایت از «همه تلاش‌های صلح‌آمیز از جمله ابتکار امارات متحده عربی و تلاش‌هایش برای دستیابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای موضوع جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طریق مذاکره دوجانبه» تأکید کرده بود. وزارت خار‌جه ایران روز چهارشنبه ۲۱ تیر از احضار سفیر روسیه در تهران خبر داده و اعتراض خود به بند مذکور در بیانیه پایانی این نشست اعلام کرده بود. سیاست خارجی مبتنی بر اتکا به شرق دولت سیزدهم بارها مورد انتقاد کارشناسان قرار گرفته است. سال گذشته موضوع حل مسالمت‌آمیز مسئله مالکیت جزایر سه‌گانه در خلیج‌فارس در بیانیه مشترک عربستان سعودی و رئیس‌جمهوری چین نیز مطرح شده بود.

◀ **احترام روسیه به تمامیت ارضی ایران**

در تماس تلفنی سرگئی لاوروف، وزیر خار‌جه فدراسیون روسیه، با امیرعبداللهیمان وزیر امور خار‌جه در بعدازظهر جمعه اول دی ۱۴۰۲، به تبادل نظر پرداختند. امیرعبداللهیمان در واکنش به بخشی از بیانیه ششمین نشست مجمع همکاری عرب و روسیه در مراکش، جزایر سه‌گانه ایرانی را جزء لاینفک تمامیت ارضی ایران دانست و با اشاره به مناسبات مثبت و رو به رشد مسکو و تهران تأکید کرد: «جمهوری اسلامی هر ادعایی از سوی هر طرفی در این خصوص را کاملاً مردود می‌داند. احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها از اصول بنیادین در مناسبات کشورهاست و تهران در موضوع احترام به تمامیت ارضی و مباحث حاکمیتی ایران با هیچ طرفی تعارف ندارد.» سرگئی لاوروف، وزیر امور خار‌جه روسیه نیز روابط مسکو و تهران را راهبردی دانست و تأکید کرد: «حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی همواره مورد احترام روسیه بوده است و این سیاست رسمی مسکو هیچ‌گاه نباید مورد تردید قرار گیرد. ما در مذاکرات تنظیم بیانیه پایانی نشست مراکش به صراحت، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را مورد توجه قرار دادیم.» سخنگوی وزارت امور خار‌جه با تأکید بر سیاست تقویت روابط با همسایگان و لزوم احترام به اصل حسن همجواری اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران از کلیه همسایگان شمالی و جنوبی خود می‌خواهد با مدنظر قرار دادن ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه موجود در سطوح دوجانبه و منطقه‌ای، در راستای تقویت مناسبات گام برداشته و از طرح و تکرار برخی ادعاهای مردود اجتناب کنند.»

گزارش دو

رئیس‌جمهور هستیم که با پیگیری مستمر احیای این جزیره را رقم زد و معتقدیم آشوراده می‌تواند سکوی پیشرفت و توسعه و رشد اقتصادی استان باشد». نورمفیدی روز پنجشنبه در حاشیه بازدید رئیس‌جمهور از جزیره آشوراده اظهار کرد: «۲۰ سال پیگیر احیای جزیره آشوراده بودیم اما همواره به‌عللی در اجرای اقدامات مدنظر تاخیر می‌افتاد و چوب لای چرخ قرار می‌گرفت و انجام نمی‌شد». وی افزود: «در سفر پیشین رئیس‌جمهور و اعضای هیئت‌دولت به گلستان که همراه آقای رئیسی وارد جزیره شدیم، رئیس‌جمهور از بالاستفاده ماندن و رها شدن چنین ظرفیت و فرصتی در این استان گلایه کرد و همان زمان نیز دستور آغاز عملیات احیای جزیره را صادر کرد. احیای این جزیره به رشد توسعه این استان و رشد اقتصادی منجر می‌شود و امیدوارم در ادامه اقدامات نیز همان‌طور که پیش‌بینی می‌کنیم اهداف مدنظر تحقق یابد و این جزیره باعث رشد و توسعه استان از جنبه‌های دیگر هم شود».

افتتاح لایروبی کانال ارتباطی دریا و خلیج گرگان، افتتاح طرح ملی فیبررسانی به منازل، کسب‌وکارها و مدارس همه شهرها، افتتاح متمرکز